

**Founding Fathers and Interpretation of the Constitution**

**Abstract:** The constitution is the highest legal document of a country and a guide for the regulation of other laws. The Constitution defines the political principles, structure, hierarchy, position, and limits of the political power of a country's government, and determines and guarantees the rights of its citizens. Although the interpretation of the constitution is not an exception to the general theory of the interpretation of the law, it is particularly dynamic due to its coherence with the text of the constitution and its correlation with political and social issues. Because any authority to oversee the implementation of the law inevitably interprets it, in most of the world's political systems, oversight of the implementation of the constitution and its interpretation has been entrusted to a single authority. What is very important is that in interpreting the principles of the rule of law, one must consider the views and opinions of those who are influential in passing the principles of the rule of law, so as not to deviate from the main and ultimate goal of the principles of the rule of law. In this research, using library resources in a descriptive-analytical method, the effect of applying the opinions and ideas of the Founding Fathers in the interpretive procedure of the competent authorities for interpreting the constitution is analyzed.

**Keywords:** Constitution, Interpretation of the Constitution, Founding Fathers

### پدران بنیان‌گذار و تفسیر قانون اساسی

یاسر پرورش<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

یاسر روستایی حسین آبادی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

احمد رنجبر<sup>۳</sup>

### چکیده

قانون اساسی یا اساسنامه عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف‌کننده‌ی اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور، و تعیین و تضمین‌کننده‌ی حقوق شهروندان کشور است. تفسیر قانون اساسی اگرچه از نظریه کلی تفسیر قانون مستثنا نیست، اما به دلیل هم‌سنگی با متن قانون اساسی و همبستگی با مسائل سیاسی، اجتماعی از پویایی و برجستگی خاصی برخوردار است. به سبب این‌که هر مرجعی برای نظارت بر اجرای قانون به ناچار آن را تفسیر می‌کند، در اکثر قریب به اتفاق نظام‌های سیاسی دنیا نظارت بر اجرای قانون اساسی و تفسیر آن به مرجعی واحد سپرده شده است. آنچه از اهمیت بالایی برخوردار است این است که در تفسیر اصول قانون اساسی می‌بایست دیدگاه‌ها و نظریات افراد تأثیرگذار در تصویب اصول قانون اساسی که اصطلاحاً پدران بنیان‌گذار نامیده می‌شوند را مدنظر قرار داد تا از هدف اصلی و نهایی اصول قانون اساسی منحرف نشود. در این تحقیق با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی تأثیر بکارگیری نظرات و اندیشه‌های این افراد در رویه تفسیری مراجع صلاحیتدار تفسیر قانون اساسی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی، پدران بنیان‌گذار

دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران<sup>۱</sup>

Parvareshyaser@gmail.com

استادیار گروه حقوق عمومی، واحد میناب، دانشگاه آزاد اسلامی، میناب، ایران (نویسنده)

مسئول<sup>۲</sup> Yasserroostaei@yahoo.com

استادیار گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران<sup>۳</sup>

ranjbar\_ahd@yahoo.com

قانون اساسی به عنوان یک سند حقوقی حاکی از ارادهٔ عمومی دربارهٔ شکل حکومت، ساختار دولت، حدود اختیارات نهادهای حاکم، حقوق و آزادی‌های عمومی باید از ویژگی دوام و استمرار برخوردار باشد تا بتواند ثبات سیاسی و اجتماعی که اولین شرط بالندگی هر جامعه است را تأمین نماید. کلیت و معدود بودن اصول قانون اساسی، زمینهٔ مناسبی برای بروز مناقشات هر روزه فراهم می‌آورد که ممکن است به دلیل دشواری راهکارهای بازنگری در قانون اساسی به بن‌بست سیاسی منجر شود و حیات نظام سیاسی را به خطر اندازد. اهمیت این نکات به حدی است که حتی برخی از صاحب‌نظران را به سوی تفکیک تفسیر قانون در دو حوزهٔ قوانین عادی و قانون اساسی سوق داده است. در تفسیر اصول قانون اساسی می‌بایست دیدگاه‌ها و نظریات افراد تأثیرگذار در تصویب اصول قانون اساسی را مدنظر قرار داد تا از هدف غایی اصول قانون اساسی منحرف نشود. در این پژوهش تفسیر قانون اساسی توسط مراجع رسمی منظور نظر اصلی نیست بلکه بررسی نظرات و دیدگاه‌های تفسیری صاحب‌نظران و صاحبان اندیشه و پایه‌گذاران قانون اساسی در خصوص اصول قانون اساسی است که از آنها اصطلاحاً به عنوان پدران بنیان‌گذار یاد می‌شود. هدف از انجام این تحقیق واکاوی تأثیر بکارگیری نیت، اهداف، مقاصد و آرمانهای مدنظر پدران بنیان‌گذار قانون اساسی در رویه تفسیری مراجع صلاحیتدار تفسیر قانون اساسی بوده و نقش آن در کارآمدی و ماندگاری یک قانون اساسی و جلوگیری از ایجاد اختلافات ناشی از برداشتهای متفاوت از قانون اساسی است. که سعی می‌شود با روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای ابعاد مختلف این مهم مورد واکاوی قرار گیرد. در این روش اطلاعات جمع‌آوری شده تحقیق به شیوه تحلیل و استنباط تخصص حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت. بدین منظور ابتدا مطالب و اطلاعات مورد نیاز پیرامون موضوع، از منابع مختلف جمع‌آوری خواهد شد و سپس مطالب جمع‌آوری شده با توجه به اهداف و پرسشهای تحقیق سازماندهی خواهند شد و در آخر اطلاعات جمع‌آوری شده مورد تجزیه و تحلیل و نتیجه قرار خواهند گرفت.

### ۱- مبانی نظری

قانون اساسی یا اساسنامه عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف‌کنندهٔ اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور، و تعیین و تضمین‌کنندهٔ حقوق شهروندان کشور است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی تعیین‌کنندهٔ نظام حاکم است، قانونی که مشخص می‌کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی‌ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسؤولیت‌هایی در برابر ملت دارند. علاوه بر این، قانون اساسی مضامینی مانند پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی، پایتخت کشور و اصول حاکم بر سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های فرهنگی و روابط خارجی کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. تفسیر قانون اساسی اگرچه از نظریهٔ کلی تفسیر قانون مستثنا نیست، اما به دلیل هم‌سنگی با متن قانون اساسی و همبستگی با مسائل سیاسی، اجتماعی از پویایی و برجستگی خاصی برخوردار است. به سبب این‌که هر مرجعی برای نظارت بر اجرای قانون به ناچار آن را تفسیر می‌کند، در اکثر قریب به اتفاق نظام‌های سیاسی دنیا نظارت بر اجرای قانون اساسی و تفسیر آن به مرجعی واحد سپرده شده است. لازم به ذکر است ماهیت مراجع تفسیر قانون به میزان زیادی بر رویکردها و روش‌هایی که این مراجع برای تفسیر قانون پی می‌گیرند، مؤثر است. قانون اساسی به عنوان یک سند حقوقی حاکی از ارادهٔ عمومی دربارهٔ شکل حکومت، ساختار دولت، حدود اختیارات نهادهای حاکم، حقوق و آزادی‌های عمومی باید از ویژگی دوام و استمرار برخوردار باشد تا بتواند ثبات سیاسی و اجتماعی که اولین شرط بالندگی هر جامعه است را تأمین نماید. کلیت و معدود بودن اصول قانون اساسی، زمینهٔ مناسبی برای

بروز مناقشات هر روزه فراهم می‌آورد که ممکن است به دلیل دشواری راهکارهای بازنگری در قانون اساسی به بن‌بست سیاسی منجر شود و حیات نظام سیاسی را به خطر اندازد. اهمیت این نکات به حدی است که حتی برخی از صاحب‌نظران را به سوی تفکیک تفسیر قانون در دو حوزه‌ی قوانین عادی و قانون اساسی سوق داده است. در باب ضرورت تفسیر قانون اساسی این است که مسائل جامعه آنقدر وسیع و گسترده و پیچیده است که هیچ کس قادر نیست به همه ابعاد آن، آگاهی داشته باشد تا بتواند برای همه آنها، مقررات مورد نیاز را پیش‌بینی کند. آنچه از اهمیت بالایی برخوردار است این است که در تفسیر اصول قانون اساسی می‌بایست دیدگاه‌ها و نظریات افراد تأثیرگذار در تصویب اصول قانون اساسی را مدنظر قرار داد تا از هدف اصلی و نهایی اصول قانون اساسی منحرف نشد.

## ۲- قانون اساسی<sup>۱</sup>

قانون اساسی واژه‌ای فرانسوی است و تعریف کلی آن بدین شرح است: «سلسله قواعدی که شکل حکومت و سازمان قوای سه گانه کشور و امتیازات و تکالیف افراد را نسبت به دولت بیان می‌کند.» اکثر علمای حقوق نیز قانون اساسی را مجموعه‌ای از قواعد و مقررات می‌دانند که مستقیماً با موضوع قدرت، انتقال و اجرای آن در ارتباط می‌باشد. «لذا موازین و اصول حاکم بر روابط سیاسی افراد، در ارتباط با دولت، نهادهای سیاسی کشور و طرز تنظیم آنها و همچنین نحوه سرشکن شدن قدرت در میان فرمانروایان و فرمانبران، از جمله قواعد و مقررات قانون اساسی به شمار می‌آید» (قاضی، ۱۳۷۳: ۹۰). «قانون اساسی، از یک سو حد و مرز آزادی فرد را در برابر عملکردهای قدرت (نهادهای فرمانروا) و از سوی دیگر حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه حقوق فردی رسم می‌کند.» (قاضی، ۱۳۹۰: ۳۹). این قواعد و مقررات می‌تواند موضوعه یا عرفی، مدون یا پراکنده باشد لذا قانون اساسی را می‌توان از دو منظر ماهوی و شکلی مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

### ۲-۱- قانون اساسی ماهوی:

همانطور که از نام آن بر می‌آید منظور ماهیت و ذات قواعد و مقررات است، اگر قواعد حاکم مربوط به ساختار سیاسی، بنیان و شکل بندی دولت - کشور باشد و بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادیهای فردی استوار باشد از منظر ماهوی قانون اساسی نام دارد و البته تفاوتی نمی‌کند اینکه متن مصوبی در این خصوص وجود داشته باشد یا مجموعه‌ای از قواعد و مقررات عرفی باشد.

### ۲-۲- قانون اساسی شکلی:

در اینجا آنچه مورد تاکید است ماهیت یا محتوای قانون نیست بلکه شکل و ظاهر ظاهر مادی آن می‌باشد. مطمئن‌ترین نشانه قانون اساسی شکلی تشریفات مخصوص وضع آن است. «قانون اساسی مجموعه‌ای است متضمن اصول و قواعد رفتاری یا سازمانی که در یک متن رسمی و تشریفاتی، به وسیله مقامات صالح به تصویب رسیده، بر افراد و سازمانها و متصدیان امور و قوانین عادی حاکم است. آنچه که در این متن مصوب وجود داشته باشد دارای خصلت قانون برتر است و سایر قوانین و مقررات و مجریان اداری و قضایی باید از آن تبعیت کنند و بدان سر بسپارند.» (قاضی، ۱۳۹۰: ۴۰).

### ۲-۳- انواع قانون اساسی:

قانون اساسی انواع مختلفی دارد که با توجه به دسته‌بندی‌های کلی به شرح ذیل در خصوص هر یک توضیحات لازم ارائه شده است.

### ۱-۳-۲- قانون اساسی عرفی و قانون اساسی موضوعه:

قانون اساسی عرفی یا نانوشته (غیر مدون) «مجموعه ای از اعلامیه‌ها، منشورها، مصوبات مجلس قانون‌گذاری شبیه قانون عادی و همچنین عرف و عادات و کنوانسیونها است که قواعد آنها ماهیتاً جنبه اساسی دارند در حالی که قوانین اساسی موضوعه (مدون) توسط ارگانهای مؤسس (مجلس مؤسسان، آرای مردم یا سایر دستگاههایی که برای این منظور به وجود می‌آیند) در یک یا چند متن تهیه و به تصویب می‌رسند» (قاضی، ۱۳۹۰: ۴۴). آنچه این دو نوع قانون اساسی را از یکدیگر متمایز می‌کند نامشخص و غیر دقیق بودن قواعد و هنجارهای عرفی است که گاهاً می‌تواند در مقام اجرا قانون اساسی عرفی را دچار اشکال کند. در حالی که در قانون موضوعه در صورت ایجاد ابهام مراجع صلاحیتدار می‌توانند با تفسیر متن موجود و توجه به تاریخچه تدوین متن این اشکال را رفع نمایند.

### ۲-۳-۲- قانون اساسی انعطاف‌پذیر و قانون اساسی انعطاف‌ناپذیر:

ملاک و ضابطه این تقسیم‌بندی، چگونگی بازنگری در قانون اساسی است، قانون اساسی زمانی انعطاف‌پذیر یا به اصطلاح نرم است که به سهولت با تشریفات ساده‌ای از طریق قانون عادی، آن را بتوان مورد تجدید نظر قرار داد و قانون اساسی زمانی انعطاف‌ناپذیر یا به اصطلاح سخت است که تجدیدنظر در آن مستلزم تشریفات پیچیده مثلاً تشکیل مجلس ویژه‌ای به نام مجلس مؤسسان یا مجلس خبرگان و مراجعه به آرای عمومی یا شیوه‌های دیگر است» (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۱۹۳).

### ۳-۳-۲- قانون اساسی یکدست و قانون اساسی مختلط

«قانون اساسی یکدست آن است که کلیه اصول آن دارای ارزش مساوی باشند. یعنی آیین تجدیدنظر در مورد همه مقررات آن به طور یکسان پیش‌بینی شده باشد. بر عکس قوانین اساسی مختلط به متون مصوبی گفته می‌شود که مشتمل بر دو نوع اصول باشند. اصولی که با آیین خاص قابل تجدیدنظرند و اصولی که همانند قوانین عادی قابل اصلاح و تغییر می‌باشند.» (قاضی، ۱۳۹۰: ۴۵).

### ۴-۲- انواع قانون اساسی از لحاظ منشا شکل‌گیری:

قانون اساسی اقتداری یا اعطایی

زمانی است قانون اساسی به عنوان امتیاز از طرف حاکم بلامنازع به ملت داده می‌شود.

قانون اساسی نیمه اقتداری - نیمه اعطایی

زمانی که قانون اساسی با همکاری یک یا دو مجلس به وسیله زمامدار مطلق شکل می‌گیرد.

قانون اساسی مردم سالار

قانونی است که بوسیله مردم یا نمایندگان آنها تدوین شود. که می‌تواند به یکی از رؤسای مجالس مؤسسان با اعضای منتخب مردم یا همه‌پرسی یا شیوه مختلط تصویب توسط مجلس مؤسسان و تصویب نهایی توسط مردم صورت پذیرد.

### ۵-۲- تشخیص قانون اساسی از سایر قوانین:

بی تردید با توجه به اینکه قانون اساسی با ساختار کلی حقوقی- سیاسی هر کشور دارد متمایز از سایر قوانین دیگر است. و برتر دانستن قانون اساسی به تضمین ثبات و تداوم نظام حاکم و استحکام چارچوبهای دولت - کشور می انجامد. بطور کلی وجوه تمایز قانون اساسی با قوانین دیگر در موارد ذیل خلاصه می شود:

#### ۱- سلسله مراتب قواعد حقوقی

قواعد حقوقی به صورت زیر رتبه بندی می شوند:

۱- قانون اساسی (اعمال قوه مؤسس)

۲- قوانین عادی (اعمال قوه مقننه)

۳- تصویب نامه ها و آیین نامه ها (اعمال قوه مجریه)

۴- مصوبات انجمن ها و شوراها (اعمال استان، شهرستان، شهر)

همانطور که مشخص است قانون اساسی در رأس قواعد حقوقی قرار دارد و یکی از وجوه تمایز این قانون با قوانین دیگر در این می باشد که هیچ قانونی نمی تواند خلاف و در ضدیت با قانون اساسی وضع شود بنابراین محتوای کلیه قوانین کشور می بایست در تطابق آشکار با قانون اساسی باشد.

#### ۶-۲- اصل برتری قانون اساسی

«برجستگی قانون اساسی نسبت به سایر قوانین، یکی به سبب صلاحیت برتر واضح آن و دیگری به علت شیوه خاص تجدیدنظر در آن است. به دنبال پیدایش کشوری جدید یا تغییر رژیم سیاسی اراده حاکم موجود در هر جامعه برای پایه گذاری و تأسیس پا به عرصه وجود می گذارد و اساسی ترین قواعد و احکام را که پایه گذار نهادهای سیاسی فرمانروا و قلمرو حقوق شهروندان می باشد در بالاترین سطح ممکن به وجود می آورد. همچنین عمل بازنگری در قانون اساسی نیز همانند وضع قانون اساسی توسط قوه مؤسس یا نهادی که برای این منظور در خور قانون اساسی پیش بینی شده است انجام می گیرد (قاضی، ۱۳۹۰: ۴۹).

#### ۷-۲- اصل کنترل قوانین توسط قانون اساسی

همانطور که گفته شد قانون اساسی برترین قانون یک کشور محسوب می شود و سایر قوانین می بایست در راستای این قانون و کاملاً مطابق با آن تصویب و تدوین شود. چرا که تصویب قوانینی که در ضدیت با قانون اساسی می باشند ثبات، و تداوم ساختار سیاسی کشور را دستخوش تزلزل و تغییرات خواهند نمود. پس موضوع مهمی که در اینجا مطرح می شود کنترل قوانین به وسیله قانون اساسی است. و بدون شک ساز و کار شایسته ای می بایست جهت بررسی تطابق و سازگاری قانون عادی با قانون اساسی ایجاد گردد.

بطور کلی دو نوع ساز و کار و به بیان دیگر شیوه کنترل را می توان مورد شناسایی قرار داد:

#### ۱-۷-۲- کنترل قوانین به وسیله الگوی آمریکایی

این وظیفه توسط دستگاه قضایی یا قوه قضاییه انجام می شود. یعنی قضات در دادگاه ها در حین رسیدگی در صورت برخورد با قانونی که قانون اساسی را نقض می کند از اجرای آن خودداری می ورزند. در واقع قاضی که مجری قانون عادی است در عین حال بر انطباق آن با قانون اساسی نیز نظارت می کند.

#### ۲-۷-۲- کنترل قوانین به وسیله الگوی اروپایی

در این شیوه تطابق قوانین به لحاظ سازگاری با قانون اساسی توسط سازمانها و نهادهای سیاسی که در مرتبه‌ای بالاتر از قوه مقننه قرار دارد، صورت می‌پذیرد و قوه قضاییه و قضات آن نیز می‌بایست تابع و مجری قوانین باشند.

### ۳- تفسیر<sup>۲</sup>

معنای لغوی تفسیر بیان و کشف مقصود گوینده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۵۶). تفسیر در لغت به معنای تبیین، توضیح، کشف و آشکار ساختن امور پوشیده و مخفی است (بابایی مهر، ۱۳۸۸: ۱۶۸). اما در اصطلاح قانونی تفسیر اینگونه تعریف می‌شود: تعیین مدلول و دایره شمول مواد قانون مبهم یا مجمل، با توجه به مقصود قانون‌گذار در چارچوب اصول و مبانی نظام حقوق جامعه (ولیدی، ۱۳۸۸: ۱۴۱). تفسیر قانون عبارتست از تعیین معنی دقیق و گسترده قاعده حقوقی (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۱۰) به بیان دیگر تفسیر قانون تعیین مدلول حقیقی قوانین متداول معنا می‌شود. در تفسیر قانون موضوعات تاریک و دارای ابهام قانون تشریح شده و جزئیات آن بیان می‌شود و به عبارت دیگر قانون تا حدود زیادی از وضعیت اجمال خارج شده و نقائص موجود در احکام آن مرتفع شده و تناقضات بین اجزای آن بر طرف می‌شود.

«موارد تفسیر قانون به دو مورد ذیل خلاصه می‌شود:

الف- مفهوم قانون روشن نباشد.

ب- مفهوم قانون روشن است ولی در سعه و ضیق آن شک است.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

بنابراین می‌توان از موارد ذیل به عنوان عناصر اصلی تفسیر قانون نام برد:

۱- شرح و توضیح الفاظ و عبارات مبهم قانون.

۲- تبیین و تفصیل مخصوص قانونی.

۳- یافتن حکم موضوعات و شرایطی که حکم آن در قانون آشکارا مشخص نشده است.

۴- رفع تناقض یا تعارض موجود در بین بخشهای مختلف قانون.

۵- تلاش در جهت کشف اراده واقعی قانون‌گذار.

۶- پرهیز از تبدیل و تغییر در قانون.

تعریفی که هر فرد از تفسیر قانون دارد، با مکتب تفسیری که برمی‌گزیند، رابطه مستقیم دارد، بدین جهت برخی معتقدند که بین اجرای قانون و تفسیر قانون تفاوت وجود دارد، زیرا در خصوص اجرای قانون، معنی و قلمرو قاعده حقوقی معین است و دادرس باید مصداق خارجی آن را تمیز دهد و با تشکیل قیاس منطقی حکم را اجرا کند. برای مثال، مأمور مالیات می‌داند که هر شخصی باید بخشی از درآمد خود را به دولت بدهد و پس از تمیز میزان درآمد مؤدی، حکم آن را در مورد او به اجرا می‌گذارد. ولی در تفسیر قانون قضیه به گونه‌ای دیگر است، بر خلاف آنچه که در قبل گفتیم، باید پیش از تشکیل این قیاس، معنی آن را، از طریق وسایل منطقی و تاریخی تمیز دهد و مقصود قانون‌گذار را معین کند. در این فرض تفسیر، مقدمه اجرای قانون است و خود به تحقیق خاص و پیچیده‌ای نیاز دارد و نباید آن را اجرای ساده قانون بپنداریم (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۲۱۵).

«عده‌ای دیگر مسائل مربوط به اجرای قانون را در قلمرو و تفسیر قرار می‌دهند، به نظر این عده، افزون بر تعیین معنی قاعده حقوقی، هرگونه تلاش برای تطبیق آن به یاری قواعد اصولی، لغوی، منطقی و اهداف اجتماعی مورد نظر برای آن قاعده حقوقی را در حوزه تفسیر قانون جای می‌دهند.» (دیلمی، ۱۳۸۲: ۱۰).

### ۳-۱- ضرورت تفسیر

«هر چند قانون‌گذار در موقع تنظیم و تدوین قانون سعی می‌کند که با به کار بردن کلمات و جملات صریح و روشن، مقصود خود را بیان کند تا مفاد آن بر کلیه مصادیق و موارد و اشباه و نظایری که مورد توجه او بوده، صادق باشد. با وجود این، گاهی قانون، از وضوح و قاطعیت لازم برخوردار نبوده و ناقص، مجمل و مبهم تنظیم می‌شود، و در مواردی قانون‌گذار به پیش بینی همه مسائل نبوده و در برخی موارد ساکت است. در این صورت مجریان قانون و محققان ناگزیر از تفسیر قانون هستند.» (گلدوزیان، ۱۳۷۷: ۹۵).

بسیاری از قانون‌گذاران در ادوار مختلف تاریخی، قانون وضع شده توسط خود را بی‌عیب و نقص تلقی نموده و مدعی بوده‌اند این قانون به تنهایی تنظیم‌کننده روابط اجتماعی و ایجادکننده نظم حقوقی مطلوب می‌باشد، اما تجربه نشان داده است این فقط یک ادعا بوده و قانون‌گذار قادر به بیان جزئیات و همه مسائلی که بر روابط اجتماعی افراد جامعه حاکم است نمی‌باشد، هر چه قدر هم در این زمینه ریز بین و نکته سنج باشد. نکته مهم این است که «وضع مقررات جدید راه حل مطلوبی برای از بین بردن این مشکلات نیست، زیرا نه تنها قوه مقننه قادر نیست که برای تمامی روابط گوناگون مردم قواعد خاص وضع کند، تفصیل زیاده از حد قانون نیز به نوبه خود مشکلات جدیدی را در یافتن راه حل مسائل به وجود خواهد آورد. از سوی دیگر، با بهانه اجمال، ابهام و تناقض یا نداشتن نص صریح، نه از فصل دعوی می‌توان امتناع کرد و نه هیچ حقوقدانی می‌تواند از یافتن راه حل دشواریهای زندگی منصرف شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۰۵).

## ۲-۳- انواع تفسیر:

تفسیر قانون را بر اساس مرجع تفسیر کننده به سه نوع تقسیم می‌کنند:

الف - تفسیر قانونی

ب - تفسیر قضایی

پ - تفسیر شخصی

### الف - تفسیر قانونی:

این نوع تفسیر بوسیله قانون‌گذار انجام می‌شود به این دلیل مهم که «قانون‌گذار بیش از هر مقام دیگر به مقصودی که از وضع قانون داشته آگاه است و تنها اوست که می‌تواند معنی درست قانون را تعیین کند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

این امر با موضوع تفکیک قوای سه گانه نیز سازگارتر می‌باشد.

البته از ذکر این نکته نیز نباید گذشت که «تجربه نشان داده است که قوه مقننه، به بهانه تفسیر و شرح، قوانین جدیدی وضع می‌کند که به کلی با روح و مفاد قانون سابق منافات دارد و چون قوانین تفسیری به حکم طبیعت خاص خود به گذشته سرایت می‌کند ممکن است در این خلال بی‌هیچ ضرورتی به حقوق ثابت اشخاص تجاوز شود.» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۰۶).

### ب - تفسیر قضایی:

این نوع تفسیر توسط دادرسان انجام شده و مربوط به ترافعات بین اشخاص می‌باشد بنابراین دامنه اعتبار آن محدود به همان دعوی است.

### پ - تفسیر شخصی:

علمای حقوق بر اساس نوع دیدگاه‌ها و نظریات خاصی که دارند به تفسیر قانون پرداخته و رویه قضایی را تجزیه و تحلیل نمایند، این نظریات می‌تواند به صورت کتبی یا شفاهی ابراز گردد و سلیقه حقوقدان نقش مهم و تعیین کننده ای در ارائه آن دارد. البته ذکر این نکته ضروری است که این نوع تفاسیر جنبه رسمی ندارند. در نتیجه ایجاد کننده قاعده حقوقی نیستند اما تأثیر بسزایی در ایجاد آن دارند.



### ۳-۳- تفسیر قانون اساسی:

نکته مهمی که در تفسیر قانون اساسی می‌بایست مد نظر داشت این است که تفسیر قانون اساسی با تجدیدنظر در آن دو مقوله کاملاً متفاوتی است و نباید این دو را با یکدیگر یکی دانست. علت اصلی بازنگری یا تجدید نظر در قانون اساسی نشأت گرفته از این موضوع است که قانون اساسی مشابه هر قانون دیگر می‌بایست پاسخگوی نیازها و شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه باشد و پرواضح است با تغییر در این شرایط و نیازها نیاز به تغییر در قانون اساسی به وجود می‌آید در حقیقت بازنگری و اصلاح در قانون اساسی باعث می‌شود این قانون با نیازهای جدید جامعه مطابقت یابد. «ترتیب تجدید نظر در قانون اساسی معمولاً در خود آن پیش‌بینی می‌شود ولی اگر در این باره پیش‌بینی لازم نشده باشد، بنا به اصل حاکمیت ملی تجدیدنظر در قانون اساسی با ملت است و او می‌تواند در این باره اقدام کند.» (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۸: ۱۹۹) ولی تفسیر قانون اساسی زمانی صورت می‌پذیرد که احکام قانون اساسی دارای ابهام بوده و از وضوح و روشنی لازم برخوردار نباشد. این موضوع در مقام اجرای قانون اساسی آشکار شده و نمود پیدا می‌کند. در این صورت می‌بایست نیت و مقصود واقعی واضع قانون اساسی را پیدا کرد و دانست احکام قانون اساسی با چه معنا و تفسیری می‌بایست به اجرا درآید. تفسیر قانون دو قسم است تفسیر قضایی و حقوقی. تفسیر قضایی با دادگاه‌ها است که باید قانون را تفسیر کند و آن را با موارد اختلاف (دعوی) تطبیق دهند اما تفسیر حقوقی با سایر مقامات رسمی است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۸: ۲۰۲). «تفسیر قانون اساسی اهمیت ویژه‌ای در هر کشور دارد، زیرا به پایه های نظام حکومت مربوط می‌شود. به دلیل همین اهمیت استثنایی است که به طور معمول این اقدام را به مجالس قانون‌گذاری عادی واگذار نمی‌کنند و در پی نهادی هستند که یا سیاست در آن رخنه نکند (مانند دیوان کشور) یا شیوه انتخاب سیاستمداران و آیین رأی‌گیری و اکثریت لازم چنان باشد که در عین دشواری، هر چه بیشتر به آرای عمومی نزدیک شود و از منبع اصلی حاکمیت الهام بگیرد.» (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۱۹).

### ۳-۴- مراجع صلاحیتدار برای تفسیر قانون اساسی

«تفسیر قانون اساسی اگر چه از نظریه کلی تفسیر قانون مستثنا نیست اما به دلیل هم سنگی با متن قانون اساسی و همبستگی با مسائل سیاسی، اجتماعی از پویایی و برجستگی خاصی برخوردار است. همین ویژگی موجب شده است که در نظامهای سیاسی گوناگون مراجع متنوعی برای آن در نظر گرفته شود، چرا که جایگاه و ساختار مرجع مفسر قانون اساسی از اندیشه و پیشینه سیاسی هر حکومت سرچشمه می‌گیرد، و بر رویکردهای تفسیری مرجع به شدت تأثیر می‌گذارد. این مراجع تفسیری را می‌توان در سه دسته قضایی، قانونی و دکترین طبقه بندی کرد که از میان آنها آرای دو دسته نخست الزام آور و آرای مشورتی قضایی و قانونی به همراه دکترین غیر الزام آور محسوب می‌شوند.» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۹۳). سؤال اینجاست که کدام مرجع می‌تواند قانون اساسی را تفسیر کند در پاسخ باید گفت: با توجه به اینکه مرجعی که نظارت بر قانون اساسی را برعهده دارد می‌بایست تفسیر آن را نیز بر عهده گیرد بنابراین در اکثر نظامهای سیاسی مرجع ناظر و مفسر قانون اساسی یکی است.

### ۳-۴-۱- مراجع قضایی تفسیر قانون اساسی:

هر کدام از قوای پیش‌بینی شده در قانون اساسی به تناسب اقتدار حاکمیتی که در دست دارند، می‌توانند به حریم قانون اساسی تجاوز نمایند اما آسیب‌پذیری قانون اساسی در برابر قوای سه‌گانه حکومت یکسان نیست و احتمال نقض قانون اساسی به وسیله قوه مجریه به دلیل در اختیار داشتن کمیت بیشتری از قدرت و امکان پنهان کردن تخطی از قانون، از دیگر قوا بیشتر است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۱۵۶). از سوی دیگر قوه قضاییه با توجه به ماهیت کار خود که عامل تضمین‌کننده قانون

و بازدارنده از تخلفات قانونی است، کمتر دچار نقض قانون اساسی می‌گردد. همین امر موجب شده است تا در کشورهایی چون کانادا، استرالیا، یونان و مصر علیرغم سکوت قانون اساسی وظیفه نظارت بر اجرای آن را به این قوه بسپارند (عمیدزنجانی، ۱۳۸۲: ۱۳۲).

دو نظام بزرگ حقوقی «رومی - ژرمنی» و «کامن لا» تفسیر قضایی قانون اساسی را انجام می‌دهند که مطابق آنچه پیش تر توضیح داده شد به دو نوع مدل «آمریکایی» و «اروپایی» معروف شده است.

در مدل آمریکایی دادگاه‌ها دارای صلاحیت عام می‌باشند و اصل وحدت قضایی باعث شده قضات دادگاه‌های عادی همانند قضات دیوان عالی به تفسیر قانون اساسی بپردازند. بنابراین همه دعاوی بدون توجه به ماهیت آنها، از طریق دادگاه‌ها و رویه‌های مشابه حل و فصل می‌شود. به عبارت بهتر رسیدگی اختصاصی در خصوص دادرسی اساسی وجود ندارد.

«در این مدل صلاحیت تفسیر قانون اساسی، به تبع نظارت، محدود به یک دادگاه نیست و تفسیر قانون اساسی به وسیله تعداد زیادی از دادگاه‌های ایالتی و فدرال به عنوان «لازمه ذاتی» فرآیند دادرسی تلقی می‌شود» (راوندی، ۱۳۶۰: ۶۷).

مهمترین ویژگی مدل اروپایی نظارت قضایی، وجود یک دادگاه ویژه تحت عنوان، «دادگاه قانون اساسی» با صلاحیت انحصاری در خصوص «احکام مبتنی بر قانون اساسی» است (رفسنجانی مقدم، ۱۳۸۳: ۵۱). این دادگاه برای تصمیم‌گیری راجع به موضوعات مربوط به قانون اساسی «دارای صلاحیت خاص» است و تنها صلاحیتش رسیدگی به موضوعات مذکور است (رفعت‌الوهاب، ۱۳۸۳: ۲۹۴).

#### ۲-۴-۳- مراجع قانونی تفسیر قانون اساسی

در برخی نظامهای حقوقی در خود قانون اساسی مرجع مستقل و جداگانه ای نسبت به قوای سه گانه جهت تفسیر قانون اساسی معین شده است، که مهمترین دلیل آن عدم برتری دادن به قوه قضاییه و جلوگیری از نقض اصل تفکیک قوا است. این مراجع را می‌توان «مرجع تفسیر قانونی قانون اساسی» نامید. زیرا از یک سو مرجع این تفسیر در قانون اساسی پیش بینی شده است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۳۳). و از سوی دیگر نتیجه این تفسیر ارزشی برابر با خود قانون اساسی دارد و قانون جدیدی محسوب نمی‌شود. از این رو می‌توان آن را عطف به ماسبق نمود (مدنی، ۱۳۶۲: ۷۰). و مانند اصل قانون برای همه مقامات محترم و الزام آور است (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۳۰). یکی از مهمترین نمونه‌ها شورای قانون اساسی فرانسه می‌باشد. همچنین شورای نگهبان در ایران را می‌توان نام برد.

#### ۴-۴-۲- پدران بنیان‌گذار<sup>۳</sup>

اصطلاح «پدران بنیان‌گذار» اولین بار در قرن بیستم توسط وارن هاردینگ<sup>۴</sup> در سال ۱۹۱۶ مطرح شد و پیش از آن در قرن نوزدهم از اصطلاح ساده «پدران» استفاده می‌شد. این اصطلاح برای توصیف بنیان‌گذاران که گروهی از رهبران سیاسی آمریکا<sup>۵</sup> بودند و در تدوین و اقتباس چارچوب قانون اساسی آمریکا نقش مهمی ایفا کردند. پدران بنیان‌گذار آمریکا اعلامیه استقلال

۳. Founding Fathers

۴. Warren G. Harding

بیست و نهمین رئیس‌جمهور آمریکا از سال ۱۹۲۱ تا زمان مرگش در سال ۱۹۲۳ بود .

۵. جرج واشینگتن، توماس جفرسون، جان آدامز، جیمز مدیسون، جیمز مانرو، ساموئل آدامز، بنجامین فرانکلین، جرج میسون، توماس پین، و جان هنکاک مشهورترین این مردان بودند.

ایالات متحده را در سال ۱۷۷۶ امضاء کردند و با تشکیل مجمع قانون اساسی در تابستان ۱۷۸۷ در فیلادلفیا که به نام کنوانسیون فیلادلفیا، کنوانسیون فدرال نیز شهرت دارد موجبات تهیه قانون اساسی ایالات متحده در سال ۱۷۸۸ و تصویب آن در سال ۱۷۸۹ را فراهم آوردند. قانون اساسی ایالات متحده یکی از قدیمی ترین قانونهای اساسی موجود جهان است و حدود ۲۳۰ سال است که همچنان به قوت خود باقی است. و به جز اصلاحیه‌هایی که به آن افزوده شده هیچ گاه تغییر نکرده است و به عنوان یک میراث ملی در میان مردم آمریکا شناخته می‌شود.

#### ۱-۴- تأثیر پذیری از پدران بنیان‌گذار در تفسیر قانون اساسی ایالات متحده آمریکا

روح کلی حاکم بر قانون اساسی ایالات متحده آمریکا بر سه محور اصلی قرار دارد که به عنوان محورهای غیر قابل تغییر محسوب شده و بدین شرح می‌باشند:

- تفکیک قوا در ایالات متحده آمریکا

- نظام انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا

- نظام فدرالی ایالات متحده آمریکا

هر یک از این اصول غیر قابل تغییر نیز در آرمانها و اهداف پدران بنیان‌گذار ایالات متحده ریشه دارد. پدران بنیان‌گذار تلاش کردند تا سر حد امکان در سند قانون اساسی، نظام حکومتی جدید را به گونه‌ای طراحی نمایند که از قدرت گرفتن فرد یا گروهی جلوگیری به عمل آورد و اجازه ندهد آزادیهای فردی و اجتماعی شهروندان خدشه دار شود. به علاوه حفظ وحدت میان مستعمرات سیزده گانه و نفی سلطه دولت فدرال بر دولتهای ایالتی نیز یکی دیگر از دغدغه‌های بنیان‌گذاران کشور جدید بود. این موضوعات بخش عمده‌ای از اصول و بندهای سند قانون اساسی را به خود اختصاص داده است که حاصل پیگیریها و تلاشهای پدران بنیان‌گذار ایالات متحده می‌باشد. در سیستم قضایی آمریکا دیوان عالی بالاترین مرجع رسیدگی به شکایات است و تنها مرجع تفسیر قانون اساسی محسوب می‌شود. آنچه در اینجا اهمیت دارد ذکر شود این است که دیوان عالی در رویه تفسیری خود از قانون اساسی می‌بایست نیت، مقاصد، اهداف و بطور کلی آرمانهای مد نظر پدران بنیان‌گذار ایالات متحده را سرلوحه کار خود قرار داده و در تفسیر اصول قانون اساسی از این آرمانها فاصله نگیرد. بدون شک تفسیر درست، صحیح و جامع از اصول قانون اساسی زمانی بطور کامل محقق شده و شکل می‌گیرد که از رویه ذکر شده تخطی صورت نگیرد. مهم این است که بدانیم پدران بنیان‌گذار نقش مهم و اساسی در تدوین قانون اساسی ایالات متحده داشته‌اند و در گنجاندن هر موضوعی در قانون اساسی نیت و مقصود مشخصی مد نظرشان بوده است بنابراین در تفسیر قانون اساسی این اهداف می‌بایست مدنظر قرار گیرد چرا که فاصله گرفتن از این آرمانها نه تنها باعث می‌شود تفسیر درست و صحیحی از اصول قانون اساسی صورت نگیرد بلکه موجبات ناکارآمدی قانون اساسی را فراهم نموده و نشان دهنده این است که تفاسیر صورت گرفته بیشتر رنگ و بوی سیاسی داشته تا حقوقی. هر زمان در هر موضوعی که می‌بایست در خصوص آن اصلی از قانون اساسی مورد تفسیر قرار گیرد، دیوان عالی ایالات متحده می‌بایست در این راستا اقدامات لازم را به انجام رساند. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین و اصلی ترین رموز ماندگاری و تغییرناپذیری قانون اساسی ایالات متحده در طول زمانی بالغ بر ۲۳۰ سال دقت و توجه کافی به همین نکته باشد.

#### ۵- نتیجه گیری

قانون اساسی هر کشور حاصل تلاشها و مبارزات چندین نسل از یک ملت است که به عنوان میثاق ملی، هدفها و آرمانهای آنها، خط مشی اساسی حرکت جامعه را تعیین می‌کند. همچنین قانون اساسی حاصل تلاشها و افکار حقوقدانان و اندیشمندان آن در مراحل مختلف تدوین قانون اساسی است. از مرحله تهیه و تدوین پیش‌نویس تا مرحله بررسی نهایی و عرضه به افکار عمومی. اندیشمندان تأثیرگذار در تدوین قانون اساسی شبیه آنچه در ایالات متحده آمریکا که به عنوان پدران بنیان‌گذار از آنها نام برده شد دارای دیدگاه‌ها و نظریاتی برخاسته از آزادی خواهی و آرمان گرایی یک ملت هستند و در واقع به عنوان نماینده ملت تأثیر بسزایی در تصویب و شکل‌گیری قانون اساسی یک کشور دارند. بنابراین می‌توان قانون اساسی تدوین شده را چکیده‌ای از خواسته‌ها، اهداف و آرمانهای یک ملت دانست که اجرای صحیح و کامل آن توسط دولت‌ها، مشروعیت و تداوم آنها را تضمین می‌کند و دور شدن از نیت و هدف اصلی قانون اساسی موجب فاصله گرفتن از خواسته‌های مردم شده که در نهایت به بن‌بست رسیدن کشور در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... منجر می‌شود. بنابراین هرگاه اصول قانون اساسی نیاز به تفسیر داشت مراجع صلاحیتدار تفسیر قانون اساسی می‌بایست بدون در نظر گرفتن مسائل سیاسی فقط به لحاظ حقوقی اقدام به تفسیر نمایند و در تفسیر این اصول به اهداف، مقاصد و ریشه اصلی تصویب آن توجه ویژه‌ای نمود. این امر مهم باعث می‌شود در تفسیر یک اصل از قانون اساسی اهداف شخصی و سیاسی دخیل نبوده و روح اصلی حاکم بر آن اصل که همانا آرمان و خواسته اصلی ملت می‌باشد مدنظر قرار گیرد و تلاش می‌شود در تفسیر ارائه شده خواسته‌ای خلاف نظر و میل ملت مطرح نگردد اما خواست و آرمان اصلی ملت از مسیر اندیشه‌ها، نظریات و راهکارهای اندیشمندان در نقش نمایندگان ملت به دست آمده و پایه‌گذار قانون اساسی شده است. بنابراین لازم است مراجع صلاحیتدار تفسیر قانون اساسی در رویه تفسیری خود نیت، اهداف، مقاصد و آرمانهای مدنظر پدران بنیان‌گذار قانون اساسی را مدنظر قرار داده و تفسیری کاملاً حقوقی (و نه سیاسی) در راستای دیدگاه اصلی بنیان‌گذاران قانون اساسی ارائه دهد چرا که تفاسیر ارائه شده در حکم قانون اساسی بوده و لازم الاجرا است بنابراین این موضوع از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که ایده‌آل‌ترین نتیجه آن کارآمدی هر چه بیشتر قانون اساسی و جلوگیری از ایجاد اختلافات ناشی از برداشتهای متفاوت از قانون اساسی است. مهم این است که این مراجع در تفسیر قانون اساسی به ریشه اصلی تدوین و تصویب اصول قانون اساسی توجه کند تا رسالت و مأموریت اصلی قانون اساسی در کشور مدنظر قرار گرفته، اجرایی شده و سرانجام مطلوبی یابد. بدون شک راز چند دهه ماندگاری قانون اساسی ایالات متحده آمریکا و سایر کشورهای پیشرو در این زمینه نظیر آلمان و فرانسه و در مقابل ناکارآمد شدن قانون اساسی در نظامهای نوپا، در میزان توجه و اهمیت دادن به این موضوع مهم می‌باشد.

## منابع

- بوشهری، جعفر (۱۳۴۸). حقوق اساسی تطبیقی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بوشهری، جعفر (۱۳۵۳). حقوق اساسی: کلیات حقوق اساسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بوشهری، جعفر (۱۳۷۶). مسایل حقوق اساسی، تهران: نشر دادگستر.
- پاشا صالح، علی (۱۳۴۸). مباحثی از تاریخ حقوق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پروین، خیرالله؛ اصلانی، فیروز (۱۳۹۱). اصول و مبانی حقوق اساسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- حمیدیان، حسن (۱۳۷۸). کنترل قوه مقننه در ایران و امریکا، تهران: نشر تیر.
- دبیرنبا، علیرضا (۱۳۹۵). کاوشی در حقوق اساسی مدرن، تهران: نشر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- شیخ الاسلامی، سید محسن (۱۳۸۰). حقوق اساسی تطبیقی، شیراز: انتشارات کوشامهر.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۴۴). حقوق اداری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۲). آزادیهای عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عالمی، شمس‌الدین (۱۳۷۴). حقوق اساسی، تهران: انتشارات مشکوه.
- عالیخانی، محمد (۱۳۷۳). حقوق اساسی، زنجان: انتشارات دستان.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۳). حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۹۰). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر میزان.
- گرجی‌ازندریانی، علی‌اکبر (۱۳۸۸). در تکاپوی حقوق اساسی، تهران: انتشارات جنگل.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۶۲). مبانی و کلیات علم حقوق، مشهد: نشر جهان اندیشه.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۴). دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- واحدی، قدرت‌الله (۱۳۹۵). مقدمه علم حقوق، تهران: نشر میزان.
- وکیل، امیرساعده؛ عسگری، پوریا (۱۳۸۳). قانون اساسی در نظم حقوقی کنونی، تهران: انتشارات مجد.

Barnett, H.2005. *Constitutional and Administrative Law* (5th edn Cavendish ۲۰۰۵) ۹, "document or a [finite] series of documents, with or without amendments"

Blick, A; Blackburn, R.2012. *Mapping the Path to Codifying - or not Codifying - the UK's Constitution*, Series paper 2. Centre for Political and Constitutional Studies, King's College London, Parliament UK, retrieved 19 November 2016

Dicey A,V.1995. *An Introduction to the Law of the Constitution*, published in ۱۸۸۵, ۱۰th edition. Oxford: Oxford University Press.

Dorsen, N.2006. *The selection of U.S. Supreme Court justices*. International Journal of Constitutional Law. Vol.4.No.4.pp.652-663.

Entick v. Carrington (1765) 19 Howell's State Trials 1030

Faille Christopher, C.1995. *The Decline and Fall of the Supreme Court*, Westport: Praeger Publishers.

Favorea, L.1990. *Constitutional Review in Europe*, in Henkin, L. and Rosental, A.J.(ed.), *Constitutionalism and Rights: The Influence of the United State Constitution Abroad*.

Holemes, S.1998. *Constitutionalism*, in Lipset, S.M.(ed), *The Encyclopedia of Democracy*, London: Rutledge.

Jackson, V.C and Tushnet, M.1999. *Comparative Constitutional Law*, New York: New York Foundation Press.

Jump up to:<sup>a b</sup> "Constitution Rankings". Comparative Constitutions Project. Retrieved June 5, 2016.

Kashyap, S. .1994. *Our Constitution – An introduction to India's Constitution and Constitution Law*. National Book Trust, India. p. 3. ISBN 978-81-237-0734-۱.

Lloyd, D. 2015."Common Law Legal Definition". duhaime.org. Judge-declared law.

Markwell, D.2016. *Constitutional Conventions and the Headship of State: Australian Experience*. Connor Court. ISBN 9781925501155.

Nivedita, V. 2019. "*The 124th Amendment: A look at the facts*". @businessline. Retrieved April 18, 2019.

Stack K.M.2004. &quot;*Divergence of Constitutional & Statutory Interpretation*&quot;, Colorado law Review, Vol. 42, No. 1.pp. 48-49, 52

Tarr ,G.A. 1999.*Judicial Process and Judicial Policymaking*, London: Wadsworth.